

چارچوب سیاست خارجی پیامبر اکرم (ص)

علی دهقانی شورکی*

میشم آقاداتی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۰/۵

چکیده: چنانچه سیاست خارجی را مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر و روش‌هایی که بیک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی به منظور دستیابی به اهداف خود، تعریف نمائیم، در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش اساسی هستیم که این خط‌مشی و تدابیر در سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) چگونه بوده و می‌توان آن را با مبحث اخلاق در هم آمیخت. برای پاسخ به سؤال‌های مذکور، و با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه موردی سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) کوشش شده است تا با ارائه چارچوبی مفهومی جهت تحلیل سیاست خارجی در قالب بیان اهداف، ابزار، تصمیم‌گیری و... شاخص‌های سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: پیامبر اکرم (ص)، سیاست خارجی، اخلاق، سیاست.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ناپیوسته، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۳، دانشگاه امام صادق (ع).
** دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۵، دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

سیاست خارجی مقوله‌ای بسیار مهم و حیاتی در سرنوشت کشورها است و شایسته توجه علمی و مطالعات روشمند برای فهم موضوع می‌باشد. بدون تردید توجه به این مقوله، در یک نظام مبتنی بر ارزش‌های دینی و اسلامی، امری لازم و ضروری تلقی گردیده و در چنین جامعه‌ای سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) به عنوان صحیح‌ترین و کامل‌ترین الگوی سیاست خارجی مطرح می‌باشد.

پیامبر گرامی اسلام (ص)، علی‌رغم مشکلات طاقت‌فرسا و چالش‌های فراروی موجود در جزیره‌العرب و خارج از آن با به کارگیری شیوه‌های رفتاری شایسته در سیاست خارجی توانستند اسلام را به فراسوی مرزهای عربستان گسترش داده و تمدن بزرگ اسلامی را پایه‌گذاری نمایند. در این مقاله کوشش شده با ارائه چارچوبی مفهومی جهت تحلیل سیاست خارجی و در قالب بیان اهداف، ابزار، تصمیم‌گیری و محیط، شاخص‌های سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) تبیین گردد.

سیاست خارجی یکی از عرصه‌های مهمی است که تصمیمات نیروهای حاکم بر هر کشور در آن انعکاس می‌یابد. برجسته‌ترین کارکرد سیاست خارجی هر کشور تأمین منافع ملی و تولید امنیت در جهانی ناامن، پرتلاطم و سیال است. آنچه در کنش و واکنش‌های این حوزه وسیع رخ می‌دهد، اثرات عمیق، فراگیر، همه‌جانبه و تاریخی دارد.

سیاست خارجی موفق می‌تواند موجب اعتلای یک جامعه یا کشور و همچنین سیاست خارجی ناموفق، می‌تواند موجب افول و حتی نابودی آن گردد. بنابراین می‌توان گفت سیاست خارجی مقوله‌ای بسیار مهم و حیاتی و شایسته توجه علمی و مطالعات روشمند می‌باشد. از سوی دیگر مبحث سیاست خارجی در اسلام به عنوان موضوعی مهم و اساسی مورد توجه قرار گرفته است. تبیین الگوهای رفتاری اسلام به طور عام و موضوع سیاست خارجی به طور خاص در عالی‌ترین شکل آن در سیره پیامبر گرامی اسلام تجلی دارد.

از این رو ضروری است در خصوص شناخت ابعاد مختلف رفتار سیاست خارجی و راز و رمز موفقیت آن حضرت به خصوص در دوره تشکیل دولت اسلامی در مدینه

تلاش‌های علمی شایسته‌ای صورت پذیرد تا به عنوان الگویی کامل و تمام‌عیار، نصب العین مسئولان و تصمیم‌گیرندگان دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد. با عنایت به این مهم، اگر سیاست خارجی را مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر و روش‌هایی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی به منظور دستیابی به اهداف به کار می‌گیرد، تعریف کنیم؛ در این مقاله، در پی پاسخ به این پرسش اساسی هستیم که این خط‌مشی و تدابیر در سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) چگونه بوده است؟ و چگونه می‌توان آن را با مبحث اخلاق در هم آمیخته دید؟ برای پاسخ به سؤال مذکور، با ارائه چارچوبی مفهومی برای تحلیل سیاست خارجی، ضمن اشاره به شکل‌گیری دولت اسلامی در مدینه و بیان اصول و مبانی سیاست خارجی اسلام، در قالب بیان اهداف، ابزار، تصمیم‌گیری و محیط، شاخص‌های سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- چارچوب نظری برای تحلیل سیاست خارجی

پیش از آنکه به ترسیم چارچوبی نظری برای تحلیل سیاست خارجی بپردازیم، لازم است آشنایی اجمالی با مفهوم سیاست خارجی پیدا نموده و شاخصه‌ها و تعاریف آن را مدنظر قرار دهیم.

۱-۱- چارچوب مفهومی

یکی از شاخصه‌های مطالعات روشمند در هر رشته علمی، مطالعاتی است که در آن چارچوب‌های نظری برای فهم بحث عرضه گردند و داده‌ها و اطلاعات به طور مناسب و معنی‌داری مورد استفاده قرار گرفته و ما را در فهم پدیده‌ها و چرایی و چگونگی آنها کمک کنند. با این توصیف سؤال این است که برای تحلیل رفتار خارجی واحدهای سیاسی و شکل دادن ادبیات واقع‌بینانه‌تر و علمی برای درک سیاست خارجی کشورها چگونه می‌توان چارچوبی مفهومی ارائه نمود؟

از آنجا که سیاست خارجی، اهداف تعیین شده برای یک کشور، همراه با ابزارهای اتخاذ شده برای نیل به آن اهداف را در بر می‌گیرد، حیطة و قلمرو آن مشخص می‌شود همچنین باید توجه داشت که دولت‌ها براساس اهدافی خود تصمیم می‌گیرند که از کدام

ابزار استفاده کنند. لذا در فاصله میان اهداف و ابزارها می‌بایست به فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نیز توجه نمود. در این میان شرایط محیطی اعم از داخلی، منطقه‌ای و جهانی بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها تأثیر بسزایی خواهد گذارد. از این رو به نظر می‌رسد با عنایت به مفاهیم اهداف، ابزار، تصمیم‌گیری و محیط بتوان چارچوبی مفهومی برای فهم چگونگی شکل‌گیری و پویایی سیاست خارجی ارائه نمود. بنابراین ترسیم چارچوب مفهومی در مقاله حاضر در قالب بررسی مفاهیم و مؤلفه‌های پیش‌گرفته در سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱-۲- تعریف سیاست خارجی

در تعریف سیاست خارجی برخی آن را «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضوعی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی و در چارچوب امورات کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌کند»، می‌دانند (محمودی، ۱۸: ۱۳۷۷). برخی دیگر سیاست خارجی را «برآیند اقتدار گرایانه تخصیص ارزش‌ها در برخورد با یکدیگر که یک واحد سیاسی از مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌هایش جهت افزایش بهره‌وری نرمها (معیارها) و استانداردهای مطلوب در بعد خارجی استفاده می‌کند»، نام می‌برند (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۵: ۳۵).

در تعریف دیگر؛ سیاست خارجی را «یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین در چارچوب منافع ملی در محیط بین‌المللی می‌باشد» معرفی می‌کنند (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۸).

به هر ترتیب با توجه به تعاریف ارائه شده به نظر می‌رسد بتوان تعریف زیر را از سیاست خارجی ارائه داد که سیاست خارجی می‌تواند یک استراتژی و یا برنامه‌ای از فعالیت‌ها تعریف گردد که توسط تصمیم‌گیران یک کشور در برابر کشورهای دیگر و یا نهادهای بین‌المللی انجام شده تا به اهدافی که به نام منافع ملی آن کشور خوانده می‌شود، برسند.

۱-۲-۱- اهداف در سیاست خارجی

به طور کلی اهداف سیاست خارجی را در یک دسته‌بندی کلان می‌توان به اهداف عام و اهداف خاص تقسیم‌بندی کرد. منظور از اهداف عام سیاست خارجی، اهدافی هستند که

در همه کشورها و فارغ از نوع نظام‌های سیاسی آنها در کانون عملیات سیاست خارجی بوده و هیچ کشوری نمی‌تواند از آن اهداف صرف نظر کند. مهمترین هدف عام، تأمین امنیت ملی است. علاوه بر آن تأمین رفاه اقتصادی شهروندان، رشد و توسعه اقتصادی جامعه، گسترش و توسعه و کسب احترام نسبت به فرهنگ جامعه در عرصه جهانی و... در زمره اهداف عامی هستند که بین همه کشورها مشترک هستند.

اهداف خاص سیاست خارجی اهدافی هستند که با توجه به نوع ایدئولوژی نظام سیاسی یا به لحاظ تجربه تاریخی، هویت فرهنگی و انقلابی، ساختار اجتماعی و ترکیب نخبگان، جغرافیا و سامان سیاسی و... طراحی شده و نمود می‌یابند. آنچه که مهم است اینکه هر اندازه میان اهداف عام و خاص سیاست خارجی رابطه مستقیم‌تری برقرار گردد، سیاست خارجی موفق‌تری حاصل خواهد شد (سجادپور، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۸).

۱-۲-۲- ابزار در سیاست خارجی

منظور از ابزار، همان وسائل دستیابی به اهداف سیاست خارجی با توجه به عوامل و منابع قدرت ملی در محیط بین‌المللی می‌باشد. در محیط بین‌المللی واحدهای سیاسی برای پیشبرد سیاست خارجی خود از انواع وسایل و ابزارها استفاده می‌کنند که می‌توان به ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تبلیغاتی و نظامی اشاره نمود. هرچه کشور هدف، از لحاظ اقتصادی به کشور صاحب تصمیم وابسته باشد، ابزارهای اقتصادی تعیین‌کننده‌تر خواهد بود. ابزارهای تبلیغات شامل استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباط با افکار عمومی ایده‌سازی، ایجاد گفتمان جدید و ظرفیت‌سازی در کشورهای هدف است و نهایتاً ابزار نظامی که پس از عدم کارآیی سایر ابزارها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۲۶۶).

۱-۲-۳- تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

در تعریف تصمیم‌گیری^۱ گفته می‌شود که عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های^۲ موجودی است که در مورد آنها قطعیت وجود ندارد (دوئرتی و گراف، ۱۳۷۲: ۷۱۹). در حوزه سیاست خارجی، تصمیم‌گیری وسیله‌ای است که در حول آن می‌توان اطلاعات مربوط به مسائل خارجی را سازمان داد و به عنوان ابزاری است که به توضیح

برخی از موقعیت‌های مهم سیاست‌گذاری خارجی مانند تصمیمات مربوط به آغاز جنگ، آغاز برنامه‌های اعطای کمک و ... می‌پردازد (باریر و اسمیت، ۱۳۷۲: ۳۲۱).

همچنین، درک و شناخت شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری توسط دولت‌ها و واحدهای مربوط به آن، از ضروری‌ترین فعالیت‌های یک دیپلماسی موفق به شمار می‌رود. بدین منظور می‌بایست، مسائلی نظیر متغیرها و عوامل، انواع، سطوح تحلیل در سیاست خارجی را مورد توجه قرار داد (دویچ و دیگران، ۱۳۷۵: ۶۹۴).

۱-۲-۴- محیط در سیاست خارجی

سیاست خارجی اهداف تعیین شده برای یک کشور همراه با تصمیم‌گیری درباره اتخاذ ابزار مناسب برای رسیدن به آن اهداف را در بر می‌گیرد. در این میان فاکتور محیط یا سیستم هم بر تعیین اهداف و تصمیم‌گیری و هم ابزارها تأثیر به‌سزایی می‌گذارد.

سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر دو عامل عمده محیط ذهنی و محیط عینی شکل می‌گیرد. محیط ذهنی یعنی ارزش‌ها، تصورات، نگرانی‌های ملی سیاست‌گذاران بر آنچه که انجام دادنش برای آنان مطلوب است تأثیر می‌گذارند. اما محیط عینی که شامل محیط داخلی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشد تعیین‌کننده آن چیزی است که دولت‌ها قادر به انجام آن هستند (Waitz, 1973: 207). چنانچه شرایط محیطی نتواند تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری اولیه خط‌مشی‌های سیاست خارجی یک دولت داشته باشد، می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت آن نقش محوری داشته باشد.

۲- بنیان‌های سیاست خارجی در اسلام

با توجه به مباحث تئوریک مطرح شده درباره سیاست خارجی، لازم است نخست مقصودمان از سیاست خارجی اسلام، مشخص گردد. منظور از سیاست خارجی در اسلام، فعالیت‌هایی است که حضرت محمد(ص) به عنوان رئیس حکومت و نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع

دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیر مسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می‌داده‌اند (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۷).

بدون تردید سیره پیامبر اعظم (ص) در زمینه سیاست خارجی، مبتنی بر یک سلسله بنیان‌ها و زیربناهای نظری برگرفته از دین مبین اسلام و آیات شریف قرآن کریم شکل گرفت که آشنایی با آنها ما را در شناخت بهتر شاخص‌های سیاست خارجی پیامبر گرامی اسلام یاری می‌رساند. اما از آنجا که مفهوم سیاست خارجی به نوعی با مبحث دولت ارتباط دارد، پیش از پرداختن به اصول و مبانی سیاست خارجی اسلام به طور مختصر به شکل‌گیری دولت اسلامی در مدینه اشاره می‌کنیم.

۲-۱- شکل‌گیری دولت اسلامی در مدینه

فکر و اندیشه دولت و حکومت در آیین اسلام، ضرورتی است که از سرشت و طبیعت شریعت اسلام سرچشمه گرفته است و تأسیس نظام و حکومت از دیگر احکام اسلام جداناپذیر است. تأسیس حکومت پاسخ به ندای فطری و نیاز ضروری جامعه بشریت است که تحقق این نیاز بدون تأسیس حکومت نامعقول است و جامعه اسلامی مانند دیگر جوامع بشری از این فطرت و از این ضرورت مستثنی نیست. در همین راستا است که قرآن کریم و سنت شریف، اندیشه دولت و حکومت را در تشریح احکام اسلامی با شفافیت بیان کرده است. خطوط اساسی طراحی نظام سیاسی، اجتماعی و طرح دولت پس از هجرت رسول... (ص) به مدینه تکامل یافت و برای اولین بار در تاریخ زمینه تکوین نخستین جامعه سیاسی اسلامی فراهم گردید (شمس‌الدین، ۱۳۷۹: ۹۸). در واقع خاتمه دوره تکوین ملت‌سازی و پایان سیزده سال دعوت در شرایط ناامن و تهدید و فرارسیدن عصر «یسر»، وظایف و اقدامات نوینی را در مقابل پیامبر و مسلمانان قرار داد. سیاست‌گذاری برای استحکام پیوندهای سیاسی، نظامی و اجتماعی مسلمانان با هم و با دو جریان اصلی اعتقادی یثرب (مشرکین و یهودیان)، ساماندهی به مشکلات اقتصادی مهاجران که با ترک ثروت و دارایی از هرگونه دستمایه و خانه و کاشانه بی‌بهره بودند، گسترش اسلام در یثرب و اعراب پیرامون آن، از جمله ضرورت‌ها و اهداف اولیه عصر تأسیس دولت بود. پیامبر اکرم به وضوح می‌دانستند که یثرب که

اینک «مدینه النبی» نام گرفته بود، به زودی از سوی عوامل درونی و بیرونی تهدید خواهد شد (زرگری نژاد، ۱۳۸۱: ۴۵). از این رو آن بزرگوار پس از پایان سفر هجرت و ورود به مدینه اقداماتی را به منظور تشکیل دولت اسلامی انجام دادند.

ایشان قبل از هر کاری به ساختن مسجدی در «قبا» همت گماشتند که سریعاً به مرکزی معنوی برای انجام شعائر و عبادات دینی، مرکزی سیاسی نظامی برای تبیین چگونگی ارتباط حکومت با داخل و خارج، مرکزی اجتماعی و فرهنگی برای آموزش‌های دینی، مذهبی و مکانی برای قانونگذاری مبدل گردید (صفار، ۱۳۸۵: ۲).

همچنین رسول خدا (ص) در جهت تشکیل دولت دینی در مدینه سندی را با یهودیان که به موجب آن ارتباط میان خود مسلمانان و نیز مسلمانان با دیگر گروه‌های انسانی مانند یهودیان که در مدینه می‌زیستند، منعقد ساختند. پیمان مدینه دگرگونی بزرگی در مفاهیم سیاسی اجتماعی آن عصر پدید آورد و در حقیقت به منزله نخستین قانون اساسی مدینه شامل ۴ فصل و ۳۷ ماده به حساب آمده که عمده‌ترین اصل آن همزیستی جریان‌های اعتقادی در درون دولت شهر مدینه بود (موسوی، ۱۳۸۲: ۸۰).

بر این اساس برای نخستین بار در جزیره العرب، جامعه‌ای شکل گرفت که مبتنی بر نظام قبیله‌ای و روابط نژادی به گونه‌ای که قبایل اوس و خزرج با نام انصار و سپس به همراه مهاجران سال‌ها با یهودیان ساکن مدینه، همزیستی و تعامل منطقی داشتند، نبود. همچنین برای اولین بار به فرمان قانون، تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه به حکومت ارجاع می‌شد و آیین که پدیدآورنده ارتباطات صحیح انسانی و تضامن اجتماعی و وحدت فکری اجتماع بود جایگزین آن گردید (صفار، ۱۳۸۵: ۵). به هر ترتیب، دولتی که پیامبر (ص) در مدینه برپا ساخت، دولتی مبتنی بر عقل، اندیشه و متکی بر قوانین برتر و جاودانه الهی بود. از این رو بالغو امتیازات طبقاتی، الغای نظام بردگی، اعطای حقوق زنان و اعلام تساوی خلقت زن و مرد و با طرح بحث ایمان، تقوی، مساوات، عدالت و رفع تبعیض که برای ملل دیگر تازگی داشت، زمینه گسترش اسلام در سرزمین‌های دیگر فراهم شد.

۲-۲- اصول و مبانی سیاست خارجی اسلام

گفته شد که سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) منطبق با بنیان‌ها و اصولی بود که از دین اسلام و آیات الهی قرآن نشأت گرفته بود. با عنایت به این مسئله و با توجه به آیات قرآن کریم می‌توان برخی اصول و مبانی سیاست خارجی اسلام را به طور خلاصه معرفی نمود.

۲-۲-۱- اصل توحید

توحید از مهمترین مبانی سیاست خارجی دولت اسلامی است. این اصل محور اصلی دیپلماسی در اسلام را تشکیل می‌دهد. اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به خصوص اسلام است و تمام شئون آن اعم از عقائد، احکام و اخلاق بر آن استوار است. قرآن کریم، انسان‌ها را به توحید دعوت کرده و شرک را تنها گناهی که قابل آمرزش نیست معرفی می‌کند.^۳ پیامبر اسلام نیز دعوت خویش را از توحید شروع نمود و این اصل مبنای اولیه دعوت پیامبر اعظم (ص) بود (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۸).

۲-۲-۲- اصل عدالت

با نگاهی به تعالیم و معارف قرآن و آموزه‌های پیامبر (ص) کمتر مسئله‌ای را می‌توان یافت که از نظر اهمیت به پای اصل عدالت برسد زیرا مسئله عدل همچون توحید و توحیدگرایی در تمامی اصول و فروع و ابعاد عقیدتی و عملی دین ریشه دوانده است. از دیدگاه اسلام نظام هستی براساس حق و بر محور عدل استوار است و به عنوان یک واقعیت جاودانه قرآن کریم فلسفه بعثت و نهضت‌های انبیاء الهی را این اصل کلی بیان می‌کند که پیامبران آمدند تا عدل و دادگری و قسط و انصاف بر نظام زندگی انسان‌ها و جوامع سایه بگسترانند و مردم برای عدالت به پاخیزند.^۴

۲-۲-۳- اصل نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از اصول مهم حاکم بر سیاست خارجی اسلام محسوب می‌شود. این اصل بر تمام مسائل روابط خارجی و بین‌المللی اسلام در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و... حاکمیت دارد و تمامی آنها می‌بایست براساس آیه نفی سبیل^۵ برنامه‌ریزی و کنترل گردد (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۸۴). براساس قاعده نفی سبیل راه هر نوع

نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف می‌بایست مسدود شود. عدم تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی، عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و... در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حوزه سیاست خارجی، پذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است. بنابراین قاعده نفی سیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است (سجادی، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

۲-۲-۴- تولی و تبری

قرآن کریم برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی پیروان خود یک اصل کلی را تحت عنوان «ولایت و برائت» یا «تولی و تبری» مشخص کرده و از آنان خواسته تا این اصل را پایه و محور عملی خود قرار دهند. این اصل به عنوان یکی از فروع اعتقادی اسلام عامل تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی در عرصه سیاست خارجی میان مسلمانان و دیگران می‌باشد.

در بینش اسلامی، مسلمان باید بداند به عنوان جزئی از کل، عضو پیکر جامعه اسلامی است و این مسئله خواه ناخواه شرایط و حدودی را ایجاب می‌کند. همچنین ولاء منفی در اسلام عبارت است از اینکه مسلمان همواره در مواجهه با غیر مسلمان بداند با اعضاء یک پیگر بیگانه مواجه است و این مسئله ایجاب می‌کند که روابط مسلمانان با آنها محتاطانه باشد. البته این مسئله به معنای قطع ارتباط با غیر مسلمانان نیست (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸).

از این رو سیاست خارجی دولت اسلامی نسبت به ملل و کشورهای مسلمان با ملاک نزدیکی آنان به اسلام و میزان تبعیت‌شان از قوانین اسلامی تعیین می‌شود و در رابطه با کشورهایی که دارای خط‌مشی سیاسی ظالمانه و تجاوزطلبانه هستند باید دستورالعمل «دشمن ظالم و یاور مظلوم بودن»^۶ ملاک و معجز روابط سیاسی قرار گیرد و با توجه به میزان گرایش‌های ظالمانه آنها تبری صورت پذیرد (شکوری، ۱۳۶۱: ۵۲۹).

۲-۲-۵- اصل التزام و پابندی به پیمان‌های سیاسی

وفا به عهد و احترام به قراردادهای پیمان‌های سیاسی به عنوان یک اصل مهم در سیاست خارجی اسلام محسوب می‌شود و آیاتی از قرآن کریم بر این مسئله تأکید دارد: «ای اهل ایمان به عهد و پیمان خود وفا کنید»^۷ و در جای دیگر آمده: «و همه باید به عهد خود وفا کنید که البته از عهد و پیمان سؤال خواهد شد»^۸ از تأکیدات این آیات به دست می‌آید که مسلمانان باید نسبت به عهد و قراردادهایشان کاملاً وفادار باشند گرچه به ضرر مادی آنها تمام شود. در نظر اسلام پیمان در هر شرایط محترم است و طرف پیمان هم هر که باشد حتی فاسق یا کافر، مسلمین باید با اعمالشان به دیگران درس انسانیت و فضیلت و دوستی بدهند (امینی، ۱۳۶۴: ۱۳۴).

فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفاداری بر عهد و پیمان، ایجاد زمینه توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز است تا انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت با یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک بر اساس توافق و اراده مشترک تنظیم گردد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۴۷۶). بعد از آنکه بنیان‌های سیاسی و اداری و نهادهای قانونی برای اعمال حکومت در دولت اسلامی استقرار یافتند رسول خدا (ص) با تکیه بر اصول و مبانی اسلام قدم به صحنه سیاست خارجی گذاردند، ایشان کار خود را با مخاطب قرار دادن پادشاهان کشورهای از قبیل روم، ایران، حبشه و رهبران مسیحی سرزمین‌های عربی و دعوت آنان به پذیرش آیین اسلام آغاز نمودند. پذیرفتن سفرا و نمایندگان بسیاری از سران و پادشاهان نشانه تأیید آن حضرت از عرف صحیح دیپلماسی است که همواره میان دولت‌ها برقرار بوده و دلیل بر متناهی و استحکام اصول سیاست خارجی دولت اسلامی می‌باشد (صفار، ۱۳۸۵: ۱۴).

۳- اهداف سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص)

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان برخی اهداف سیاست خارجی پیامبر اسلام که مبتنی بر مبانی و اصول اسلام و قرآن می‌باشد به شرح زیر معرفی نمود و همه این موارد را می‌توان از مصادیق و جلوه‌های اخلاق و معنویت در آئین پاک پیامبر اعظم (ص) دانست:

۳-۱- تشکیل نظام توحیدی در جهان

توحید و تشکیل نظام توحیدی در جهان هدف اصلی سیاست خارجی پیامبر اسلام بود و دعوت اولیه آن بزرگوار در دوران دعوت سرّی و همگانی بر توحید و یگانگی خداوند استوار بود. روزی که سران قریش سیاست تطمیع را در پیش گرفتند و از ابوطالب خواستند تا از پیامبر بخواهد دست از مخالفت با آنها بردارد، رسول خدا آنها را به توحید و پرهیز از بت پرستی فرا خواند. هنگامی که پایه‌های اسلام در میان بستگان نزدیک پیامبر و سپس قوم عرب مستحکم شد، پیامبر مأمور انذار جهانیان شدند و به خاطر همین مأموریت بود که پیامبر (ص) نامه‌هایی به سران بزرگ جهان آن روز در خارج از جزیره عربستان نوشتند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۸۱) و به این آیه اشاره فرمودند: «بگوای اهل کتاب، بیایید بر سرسخنی که میان ما و شما مشترک است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و کسی را با او شریک نکنیم و هیچ کس از ما دیگری را بجای خداوند صاحب اختیار نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگوئید شاهد باشید که ما سر به فرمان خداییم».^۹

بنابراین هدف اصلی سیاست خارجی پیامبر دعوت جهانیان به اصل توحید بوده و تمامی استراتژی‌های پیامبر برای اعتلای کلمه توحید و حاکمیت آن بر سراسر جهان اختصاص داشته است. بر این اساس قرآن کریم تصریح می‌فرماید: «و ما تو را نفرستادیم جز بشارتگر و هشداردهنده برای همه مردم، لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند».^{۱۰} روایات متعددی که در تفسیر آیه مذکور از طرق شیعه و سنی نقل شده، آن را در راستای جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام تفسیر می‌کند (مکارم شیرازی، ج ۱۸: ۱۰۴).

۳-۲- اقامه قسط و عدالت

برقراری قسط و عدالت را می‌توان به عنوان یکی از اهداف مهم سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) به شمار آورد؛ چنانکه فلسفه بعثت پیامبران و تشریح ادیان به منظور تحقق قسط و عدل به مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است.^{۱۱} پیامبر (ص) عدالت را ضامن بقای جامعه می‌دانستند و توجه و اهتمام فراوان ایشان به آن به عنوان یک اصل اساسی در سیاست‌ها و روش آن حضرت حتی در قبل از اسلام نیز مشاهده می‌شود. این رویه در

سیاست خارجی آن حضرت به خوبی مشهود است. هنگامی که دامنه دعوت و حکومت پیامبر گسترش پیدا می‌کند و قبائل و کشورهای خارجی به حاکمیت اسلام در می‌آیند، پیامبر (ص) در برخورد با آنها با کمال عدالت رفتار و سعی می‌نماید کوچکترین ظلمی به آنها نشود. در نوشتارها و قراردادها و عهدنامه‌های پیامبر به مسیحیان نجران، اسقف نجران و دیگر اسقف‌های آن دیار چنین می‌خوانیم: «سرزمین ایشان پای کوب نخواهد شد و به آنجا لشکر کشی نمی‌شود و هر کس از ایشان حقی مطالبه کند در کمال انصاف بدون اینکه بر آنان ستم شود یا ستم‌کننده باشند، بررسی خواهد شد» (احمدی میانجی، ۱۳۶۳: ۱۳۵).

۳-۳- ابلاغ دین و رساندن آیات الهی

یکی از اهداف سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) ابلاغ پیام دین و رساندن آیات الهی به اقصی نقاط جهان بوده است. همان‌گونه که در قرآن کریم اشاره شده است: «این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که سخنان من در طول تاریخ بشر و پهنه زمان و در تمام نقاط جهان به گوش آنها می‌رسد، از مخالفت فرمان خدا بترسانم».^{۱۲} وجه به کلمه «و من بلغ» به (تمام کسانی که این سخن به آنها می‌رسد) رسالت جهانی قرآن و دعوت عمومی و همگانی آن را اعلام می‌دارد (مکارم شیرازی، ج ۱۸: ۱۷۵-۱۷۹). بر این اساس یکی از اهداف مهم سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) دعوت تمامی مردمان آن روزگار به اسلام بود. پیامبر (ص) نه تنها مردم مکه، حجاز و شبه جزیره عربستان را به اسلام دعوت نمود بلکه طبق فرمان خداوند دعوت خویش را حتی به خارج از شبه جزیره عربستان از ایران تا روم و مصر و حبشه و دیگر کشورهای وقت رساند.

۳-۴- نفی سلطه و دفاع از مظلوم

استقرار جامعه مطلوب اسلام و روابط انسانی مقبول دین، مستلزم روابط اجتماعی و بین‌المللی سالم و به دور از ظلم و تعدی است. جامعه‌ای که به سوی سعادت حرکت می‌کند ناگزیر است هر نوع روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز را نفی و به جای آن روابط سالم و به دور از ظلم و رعایت حقوق همگان را جایگزین کند. (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۴). از این رو

دین اسلام نه تنها ظلم را منع می‌کند بلکه پذیرش ظلم و زیر بار ظلم رفتن را نیز محکوم می‌کند و برای آن مجازاتی سخت قائل می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۱: ۶۸).

رعایت این مسئله در رفتار سیاست خارجی پیامبر (ص) به خوبی مشهود است. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمودند: «دین اسلام برتر است و چیزی برتر از آن قرار نمی‌گیرد»^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۲۴۳). این حدیث نبوی یکی از مستندات عزت اسلام و مسلمین در مقابل سلطه‌جویی و سلطه‌خواهی بیگانگان است و به همراه قاعده نفی سیل در زمینه سیاست خارجی و روابط مسلمانان با کفار بر تمامی قراردادها و قوانین حاکم است و نقش کلیدی دارد.

۳-۵- ایجاد امنیت و صلح

از آنجا که یکی از مهمترین اهداف ارسال پیامبران، برقراری قسط و عدالت می‌باشد، این مسئله در معنای واقعی خود، صلح و امنیت را به همراه خواهد داشت. از این رو نوعی تلازم و رابطه دوسویه میان استقرار صلح و برقراری عدالت وجود دارد، چنان که جنگ و تخاصم، ناشی از تعدی، برتری‌جویی و تمامیت‌خواهی می‌باشد. در شرایطی که این مسائل تعدیل و تحت کنترل درآید جامعه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قرین خواهد بود (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۱).

قرآن کریم بعد از اشاره به دو گروه مؤمنان بسیار ناخالص و منافقان مفسد، مؤمنان را به صلح، سلام و تسلیم در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند. آیه کریمه «ای کسانی که ایمان دارید همگی به طاعت خدا در آیید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است»^{۱۴} همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی به صلح و صفا دعوت می‌کند و از این آیه استفاده می‌شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار گردد، امکان‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۸۲: ۲). از این رو پیامبر گرامی اسلام از طریق وحی خطوط صلح و امنیت عمومی را ترسیم می‌کردند و خودشان نیز در کشمکش‌های خارجی خطوط ترسیم شده را عملاً مجسم می‌ساختند چنانکه اعمالی که در فتح مکه انجام دادند می‌تواند روش حکومت اسلامی را در

مقابل دشمن مغلوب روشن سازد (سبحانی، ۱۳۷۰: ۶۰۵). همچنین آن حضرت برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافق‌های اصولی و کشاندن آنها به مذاکرات صلح آمیز از توافق‌های جزئی در مورد قدر مشترک‌ها صرف نظر نمی‌کردند و با توافق در زمینه مسائل فرعی راه را برای رسیدن به توافق‌های اصولی‌تر و بیشتر هموار می‌کردند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۴۹).

به هر حال اهداف برشمرده شده فوق، تنها بخشی از اهداف سیاسی خارجی پیامبر اعظم (ص) را شامل می‌شده است که جزء اهداف خاص در سیاست خارجی دولت اسلامی در مدینه بوده است. همچنین با توجه به آنچه که در بخش اهداف عام و خاص سیاست خارجی در چارچوب نظری بحث گفته شد، اهداف سیاسی خارجی دولت اسلامی در مدینه دارای هر دو ویژگی بوده است. توضیح آنکه اهدافی نظیر تأمین امنیت و تعمیق آن، حفظ تمامیت ارضی، رشد و توسعه اقتصادی و... در زمره اهداف عام و مشترکی است که دولت اسلامی مدینه در پی تحصیل آن بود. تلاش‌های پیامبر (ص) برای ایجاد امنیت و تعمیق آن در فضای نا امن جزیره العرب و برنامه‌های ایشان برای رسیدن به توسعه اقتصادی در این راستا قابل تحلیل است. اگرچه می‌بایست این نکته را متذکر شد که در همه این اهداف تعابیر و تفاسیر مبتنی بر احکام دین و قرآن کریم حاکم بود لذا مکانیزم اجرایی تحقق این اهداف با سایر کشورها در آن زمان متفاوت بوده است.

۴- ابزارهای سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص)

منظور از ابزارهای سیاست خارجی پیامبر اعظم، همان وسایل دستیابی به اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی در مدینه می‌باشد. در مباحث گذشته به اهداف سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) اشاره شد، براساس آن دولت اسلامی در زمان رسول خدا دارای اهداف وسیع و گسترده‌ای در جهت گیری سیاست خارجی، تشکیل نظام توحیدی و عدالت گستر، حمایت از مستضعفان جهان و مبارزه با زورگویان عالم داشته است. پیامبر گرامی اسلام با توجه به دو ویژگی مهم رسالت خویش یعنی جهانی بودن و جاویدان ماندن برای عملی

شدن اهداف سیاست خارجی اسلام از ابزارهای متعددی بهره گرفتند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۱- ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک

ارسال سفیر به جاهای مختلف و پذیرش هیئت‌های قبایل و کشورها در قالب دیپلماسی به عنوان یک وسیله، در دعوت پیامبر (ص) به خوبی مشهود است. توجه پیامبر به دیپلماسی مرسوم آن زمان و استفاده از آن در قالب صحیح به پیشبرد اهداف سیاست خارجی پیامبر کمک شایانی نمود. به عنوان مثال در مدینه در محلی به نام «دارالضیوف» از میهمانان پذیرایی شایسته‌ای به عمل می‌آمد. پیامبر (ص) به هیئت‌هایی که می‌آمدند، هدایایی نیز می‌دادند و به بلال توصیه می‌فرمودند که هدیه‌هایی که به آنها می‌دهید بیشتر از مقداری باشد که آن هیئت‌ها آورده‌اند.

پیامبر (ص) شیوه دعوت و مذاکره را برای تمام سفیران خود یک تکلیف می‌دانست و آنان را موظف می‌کرد تا دیپلماسی را مقدم بر شیوه‌های خشونت‌آمیز بدانند (سجادی، ۱۳۸۱: ۹۹). بدین ترتیب شیوه پیامبر (ص) در دعوت و اعزام مبلغ، مربی، سفیر و هیئت‌های نمایندگی، ارسال پیام به سران دولت‌ها، تشکیل جلسات بحث آزاد و برخوردهای منطقی با مخالفان، نشانه‌هایی از دیپلماسی فعال پیامبر است.

۴-۲- ابزارهای اقتصادی

عوامل اقتصادی ابزار مهمی در دست پیامبر (ص) در صحنه سیاست خارجی بود. یکی از اهرم‌های پیامبر (ص) در این خصوص مسئله «تألیف قلوب» بود. تألیف قلوب در اصطلاح فقه سیاسی عبارت است از حمایت مالی و اقتصادی امام مسلمین به منظور جذب مردم به اسلام برای آنکه در مواقع لزوم به دفاع از اسلام برخاسته و یا حداقل در صف دشمنان اسلام قرار نگرفته و به آنها نپیوندند و کسانی که از چنین حمایت مالی و اقتصادی مسلمانان و یا امام مسلمین برخوردار می‌شوند در اصطلاح «مؤلفه القلوب» گفته می‌شود (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۱۸). پیامبر اکرم (ص) به عنوان رهبر نخستین دولت اسلامی در موارد عدیده‌ای از این ابزار اقتصادی برای گسترش اسلام بهره گرفتند و علیرغم مخالفت دیگران در این

جهت سرمایه‌گذاری می‌کردند. به عنوان مثال در جنگ طائف به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده بودند و یا مشرکانی که به آن حضرت کمک کرده بودند، از غنائم بیش از دیگران سهم دادند تا سبب جلب‌نظر آنها و قبیله و فامیلشان شود.

۴-۳- ابزار تبلیغاتی

ماهیت اسلام اقتضای تبلیغ دارد و به همین جهت پیوسته در حال روشنگری، دعوت و بیان حقایق است. تاریخ نشان می‌دهد که کار تبلیغی پیامبر بزرگ اسلام در پنج مرحله و در هر یک از آنها به روشی ویژه انجام می‌پذیرفت. آن مراحل عبارتند از:

یک. مرحله دعوت پنهانی

دو. مرحله دعوت آشکار

سه. دوران فشار و آزار شدید مشرکان بر مسلمانان

چهار. مرحله هجرت

پنج. مرحله استقرار در مدینه.

در مرحله آخر که دولت اسلامی در مدینه تشکیل شده بود، ابزارهای تبلیغاتی فراوانی مورد استفاده واقع شد که مختصراً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: مذاکرات مستقیم با یهودیان مدینه به منظور همزیستی مسالمت‌آمیز، برقراری روابط دوستانه با قبیله‌های مجاور شهر مدینه، شبکه‌های اطلاعاتی و خبررسانی که به عنوان تدبیر احتیاطی به هنگام وقوع جنگ‌ها تشکیل می‌شدند، سخنرانی و ایراد خطبه توسط پیامبر در مناسبت‌های گوناگون و نمازهای جمعه و عیدهای فطر و قربان اذان که برای اعلام اوقات نمازهای یومیه گفته می‌شد، استقبال رسول خدا از هیئت‌های اعزامی مناطق مختلف عربستان و ملاقات با سران قبائل، ارسال نامه‌هایی که رسول اکرم برای پادشاهان و سران کشورهای مختلف جهان می‌فرستادند و مواردی از این قبیل از جمله ابزارهای تبلیغاتی مورد استفاده پیامبر بوده است (صفار، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

برخی از مورخان تعداد این نامه‌ها را متجاوز از سیصد مورد ذکر کرده‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۳۴۱) که در کتاب مکاتیب الرسول به برخی از آن نامه‌ها که پیامبر همه آنها را از مدینه برای سران کشورها، قبائل، اسقف‌ها و رجال ذی‌نفوذ در حدود امکانات پیکری و مخابراتی آن ایام ارسال شده بود، اشاره شده است.

به هر ترتیب شایستگی عناصر تبلیغی نبوی و حقانیت مکتب و شان رفیع رسول خدا، انسان‌ها را آماده پذیرش دعوت و تصدیق به نبوت آن حضرت می‌کرد به گونه‌ای که انتشار سریع اسلام در کمتر از نیم قرن و حاکمیت بر شرق و غرب جهان و ورود گروه‌های بزرگ انسانی به این مکتب جاودانی شاهد این مدعاست (صفار، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

۴-۴- ابزار نظامی

از دیدگاه اسلام جهاد وسیله‌ای است که با کمک آن می‌توان مانع از عوامل فردی و اجتماعی مزاحم شدو از گسترش فساد و ستم جلوگیری نمود (صابریان، ۱۳۸۲: ۲۱). از این رو از نظر اسلام بکارگیری ابزار نظامی برای حفظ مسلمانان و رهایی ستمدیدگان ضروری است و ارتشی که از متن مردم برآمده و در دل آنها جای دارد نه تنها ابزار سرکوب نیست بلکه دژی استوار برای پناه دادن مردم و پناهگاه تسخیرناپذیر آنان می‌باشند.

مهمترین عمل پیامبر اعظم (ص) در بکارگیری ابزار نظامی، تأسیس یک پایگاه استراتژیک نظامی در مدینه و تبدیل آن شهر به مرکز بسیج و اعزام سپاهیان اسلام به منظور دعوت مردم به دین خدا و دفاع از کیان اسلام بود. فرماندهی جنگ‌های گوناگون و اعزام سربیهایی از آن شهر به مناطق مختلف توسط پیامبر اکرم در مدت هفت سال که مورخان مجموع آن را حدود ۸۰ مورد دانسته‌اند صورت می‌پذیرفت (صفار، ۱۳۸۵: ۴۱).

نبی گرامی اسلام (ص) فرماندهان و سربازان مسلمان را به گونه‌ای تربیت کرده بود که بتوانند با سرعت به طرف منبع خطر به حرکت درآمده و توطئه را نابود سازند و غیر از نبرد اُحد که بی توجهی بعضی از تیراندازان مسلمانان به دستورهای رسول خدا، تلفات و خساراتی بر مسلمانان وارد آورد، پیروزی پیامبر در تمام جنگ‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح نظامی و مهارت و تأییدات آسمانی، آن حضرت را فرماندهی بی نظیر ساخته بود که تمام تحلیل‌گران نظامی به آن اعتراف دارند.

۴-۴-۱- هدف پیامبر از جنگ

رویارویی لشکر اسلام با کفار و مشرکان به منظور دعوت آنان به سوی اسلام و نه برای کشورگشایی و قدرت‌نمایی صورت می‌گرفت. هدف رسول خدا هیچ‌گاه

گسترش قلمرو، حکومت و مستعمره خود نبود، بلکه انگیزه آن حضرت از نبرد با دشمنان ترویج و تبلیغ دین و فراگیر شدن اسلام در سرتاسر عالم بود. کتاب آسمانی قرآن تأکید می‌کند که جهاد باید در راه خدا باشد: «و در راه خدا جهاد کنید و بدانید که خدا شنوای داناست».^{۱۵}

در دیدگاه اسلامی جهاد وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف مهم و ارزشمند یعنی گسترش و نفوذ اسلام است تا دنیا و آخرت انسان‌ها از این طریق تأمین شده و عدالت در جامعه برپا گردد. از این رو پیامبر همواره شرکت در جنگ با بینش قومیت‌گرایی و حس ناسیونالیستی و نژادپرستی را مذمت می‌کرد چنان‌که در جنگ احد شخصی به نام قزمان را جهنمی دانست و فرمود: قزمان جهنمی است (ابن کثیر، ۱۳۸۳، ج ۳: ۷۱) چرا که وی برای قبیله و نژاد خود و نه برای پیشبرد اهداف اسلام جنگید و کشته شد. در نتیجه با آنکه تعداد زیادی از افراد دشمن را از بین برد، چون نیت و انگیزه‌اش الهی نبود جهنمی شد.

رسول خدا در هنگام رویارویی با مشرکان، آنان را در انتخاب یکی از سه امر مختار می‌گذاشت:

الف) اسلام را بپذیرند.

ب) پیمان بندند که تجاوزی از ناحیه آنان صورت نگیرد.

پ) به جنگ تن در دهند.

بنابراین جنگی که آن حضرت مصلحت می‌دید در مرحله سوم بود. در واقع این دشمنان بودند که جنگ را بر می‌گزیدند. اگر به برخی از صحنه‌های کارزار رسول اکرم (ص) نگاه کنیم این ادعای حضرت (ص) که حاکی از احساس ایشان از یگانگی خداوند، یکسان بودن مردم و یکپارچه بودن بشریت است، توجه ما را به خود جلب می‌کند. آن‌جا که می‌فرماید: «پروردگارا ما بندگان توایم و آنان نیز بندگان توایم ما و آنان به دست توست پس آنان را شکست ده و ما را پیروز گردان».

رسول اکرم حتی در هنگامی هم که برای نبرد آماده می‌شد هیچ علاقه‌ای بدان نداشت و به شدت از آن متنفر بود چنان‌که زمانی که می‌خواست معاذ بن جمل را به سوی یمن اعزام کند به او چنین فرمود:

«با آنان وارد جنگ نشوید مگر آنکه دعوتشان کنید در این هنگام نیز اگر از پذیرش دعوت سرباز زدند باز هم با آنان وارد جنگ نشوید تا آنان نبرد با شما را آغاز کنند. اگر آنان نبرد را آغاز کردند باز هم وارد جنگ نشوید تا آنکه کسی را از شما بکشند در این صورت کشته را نشان آنان دهید و بگویید: بیاید تا راهی بهتر از این بیابیم زیرا خداوند اگر یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر است از آنچه خورشید بر آنان می تابد» (ابن کثیر، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۵۳).

۴-۵- ابزار بشر دوستانه

از اصول ارزشمندی که در حقوق بین الملل مورد توجه بوده و فعالیت های مؤثری در این زمینه از طرف حقوقدانان و علمای سیاست و... از دیرباز شروع شده بود، اصل «الغای بردگی» است که در قانون اساسی بسیاری از کشورها گنجانده شده است. در نگرش اسلام انسان دارای کرامت است و به عنوان خلیفه خدا در روی زمین بر بسیاری از مخلوقات برتری دارد. در این نگرش، اصل بر آزادی انسان است و برده داری یک امر عارضی است که برخلاف نظم آفرینش الهی بوده و اسلام با آن به مثابه یک بیماری اجتماعی به مبارزه برخاسته است. یکی از شیوه هایی که اسلام برای مبارزه با این معضل اجتماع برگزیده، فک رقبه است.

واژه فک به معنای آزاد کردن، جدا کردن دو چیز از هم است و واژه رقبه جمع رقب به معنای بندگان و بردگان آمده است. پیامبر اسلام بنا به حکم الهی، سنت حسنه ای را در آزادسازی بردگان تحکیم بخشید و شخص ایشان از شیوه های گوناگونی برای آزادی بردگان استفاده می کردند. به عنوان مثال زمانی که شهر مکه فتح گردید پیامبر (ص) به اسرای جنگی فرمودند: «همه شما طلقاء (آزاد) هستید» و در جنگ بدر نیز هر اسیر باسوادى قرار شد ده نفر از مسلمانان را سواد بیاموزد و آزاد شود و از شماری نیز فدیة گرفتند.

نتیجه‌گیری

ادیان توحیدی و به طور خاص دین مبین اسلام، با وضع احکام تشریحی برای رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی، موجب دخالت دادن و تلفیق اخلاق در سیاست شده‌اند. در این بین بررسی موردی سیاست خارجی پیامبر اکرم (ص) که با وجود مشکلات عمده زمان خویش، موفق به تشکیل حکومت شدند، حایز اهمیت می‌باشد. منظور از سیاست خارجی پیامبر اکرم، استراتژی یا برنامه‌ای از فعالیت‌هایی می‌باشد که توسط تصمیم‌گیران آن کشور در برابر کشورهای دیگر اتخاذ می‌شود تا به اهداف مورد نظر نایل آیند.

اصول توحید و عدالت، تولی و تبری، التزام به پیمان‌های سیاسی و قاعده نفی سبیل از جمله مهم‌ترین مبانی سیاست خارجی در اسلام به شمار می‌رود که بر اساس این اصول می‌توان اهداف سیاست خارجی پیامبر اعظم را تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه قسط و عدل، ابلاغ دین و رساندن آیات الهی، نفی سلطه و دفاع از مظلوم و ایجاد امنیت و صلح دانست.

لزوم دخالت دادن اصول اخلاقی در سیاست که خود را در ابزارهای سیاست خارجی پیامبر اکرم اعم از ابزارهای سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و نظامی و... نشان می‌دهد، ما را به این نکته رهنمون می‌گردد که هدف از نبردهای صدر اسلام، کشورگشایی و افزایش دامنه فتوحات نبوده است، بلکه هدف تبلیغ دین و فراگیر شدن اسلام در سراسر عالم و آماده کردن زمینه هدایت مردم بوده است.

پی نوشت‌ها:

1 - Decision-making

2 - Alternative

- ۳- آیه ۴۸ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء» یعنی: مسلماً خداوند این را که برای او شریک قائل شوند، نمی‌بخشد و آنچه فراتر از آن باشد برای هر که بخواهد، می‌بخشد.
- ۴- «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید / ۲۵) یعنی: براستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان (حق و باطل) نازل نمودیم تا مردم به عدل و انصاف برخیزند.
- ۵- «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء / ۱۴۱) یعنی: و خداوند هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است.
- ۶- در نامه ۴۷ نهج البلاغه، امام علی (ع) در وصیتی به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌فرماید: «کونا لظالم خصما و للمظلوم عوناً» یعنی: دشمن ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید.
- ۷- «يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده، / ۱).
- ۸- «و اوفوا بالعهد ان العهد كان مسئولاً» (اسراء / ۳۴).
- ۹- «قل يا اهل الكتاب تعالوا الي كلمه سواء بيننا و بينكم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شيئا و لا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» (آل عمران / ۶۴).
- ۱۰- «وما ارسلناك الا كافة للناس بشيرا و نذيرا و لكن اكثر الناس لا يعلمون» (سبأ / ۲۸).
- ۱۱- برای نمونه آیه ۲۹ سوره اعراف می‌فرماید: «قل امر ربي بالقسط»، یعنی: «بگو پروردگام به انصاف فرمان داده است» و نیز آیه ۹۰ سوره نحل که می‌فرماید: «ان الله يامر بالعدل و الاحسان...»، یعنی: همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد و...».
- ۱۲- «و اوحى الى هذا القرآن لا نذركم به و من بلغ» (انعام / ۱۹).
- ۱۳- «الاسلام يعلو و لا يعلى عليه».
- ۱۴- «يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة و لا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين» (بقره / ۲۰۸).
- ۱۵- «و قاتلوا في سبيل الله و اعلموا ان الله سميع عليم» (بقره / ۲۴۴).

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱)، **من لا يحضره الفقيه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۸۳ق)، **سیره النبویه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳- امینی، ابراهیم (۱۳۶۴)، **سیاست خارجی حکومت اسلامی، حکومت اسلامی**، شماره‌های ۳ و ۴.
- ۴- احمدی میانجی، علی (۱۳۶۳)، **مکاتیب الرسول**، بی‌جا: یس.

- ۵- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، **اصول سیاست خارجی ج.ا.ا.**، تهران: آوای نور.
- ۶- دوثرتی جیمز و گراف فالتز (۱۳۷۲)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- ۷- باریر جیمز و اسمیت مایکل (۱۳۷۲)، **ماهیت سیاستگذاری خارجی**، ترجمه حسین سیف‌زاده، تهران: قومس.
- ۸- خوشوقت، محمدحسین (۱۳۷۵)، **تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی**، تهران: وزارت خارجه.
- ۹- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۱)، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران: بی‌نا.
- ۱۰- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۹)، **سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)**، فصلنامه **علوم سیاسی**، شماره ۱۱.
- ۱۱- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱)، **اصول سیاست خارجی در قرآن کریم**، فصلنامه **علوم سیاسی**، سال چهارم شماره ۱۵.
- ۱۲- سجادی‌پور، کاظم (۱۳۸۳)، **چارچوب مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران**، تهران: دفتر مطالعات.
- ۱۳- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، **مبانی حکومت اسلامی**، ترجمه داوود الهام، قم: مؤسسه علمی فرهنگی سید الشهداء.
- ۱۴- صفار، سالم (۱۳۸۵)، **سیره پیامبر (ص) در رهبری و انسان‌سازی**، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، **فقه سیاسی اسلام: اصول سیاست خارجی**، تهران: آراین.
- ۱۶- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۹)، **جامعه سیاسی اسلامی: مبانی فقهی و تاریخی**، ترجمه مرتضی آیت‌الله زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۷- صابریان، علیرضا (۱۳۸۲)، **جنگ هشت ساله و حقوق**، قم: احسان.
- ۱۸- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶)، **فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلامی**، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ۱۹- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۱)، **انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، تهران: فرهنگ اسلامی.

۲۰- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹)، **حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام**، تهران: سمت.

۲۱- دویچ کارل و دیگران (۱۳۷۵)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل**، ترجمه وحید بزرگی، تهران: جهاد دانشگاهی.

۲۲- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، **ولاءها و ولایت‌ها**، قم: صدرا، چاپ بیست و یکم.

۲۳- محمودی، منوچهر (۱۳۷۷)، **اصول سیاست خارجی ج.ا.ا.**، تهران: دادگستر.

۲۴- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۵- موسوی، محمد (۱۳۸۲)، **دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام**، تهران: باز.

26- Waltz Kenneth (1973), **Theory of International Politics: Peace and War**, New York: Palgrave, Hill.

